

نقش قصه‌گویی دوزبانه در تبادل فرهنگی و ایجاد تعلیم و تربیت صلح‌محور

آرزو حقیقی (نویسنده مسئول)

دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

Arezoohaghighi1356@yahoo.com

دکتر سودابه شکرالله‌زاده

دکترای فلسفه تربیتی، استاد مدعو دانشگاه علامه طباطبائی

shokrollahzadehs@yahoo.com

چکیده

قصه‌گویی و روایت‌گری یکی از جذاب‌ترین نوع تلفیق هنر و ادبیات و زبانی دل‌چسب به‌ویژه برای کودکان و نوجوانان است که به عنوان یک ابزار کارآمد، همواره مورد توجه شاعران، نویسندگان و خصوصاً متولیان تعلیم و تربیت واقع شده است. در حال حاضر نیز که یکی از دغدغه‌های جهان، وجود تنش‌های سیاسی و نظامی و ... در سرتاسر کره زمین است؛ بدون شک این فعالیت ارتباط‌محور می‌تواند نقش مهمی در ایجاد صلح با فرهنگ‌های مختلف بین‌المللی و ایجاد تعامل بین فرهنگ‌ها و قومیت‌های داخلی یک ملت در ارتباط با هم داشته باشد. این مسأله به ویژه در ایران که کشوری متشکل از صداهای گوناگون فرهنگی و قومیتی است، نمودی ویژه دارد. در این میان، قصه‌گویی و خصوصاً قصه‌گویی‌های دوزبانه از اهمیتی شایان برخوردار هستند؛ زیرا گفتگوی دو زبان که نمود ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی هر قومیت است، می‌تواند بسترساز صلح میان قومیت‌های گوناگون درون یک کشور باشد. این مقاله که در رده تحقیق‌های کیفی قرار دارد، می‌کوشد با کاربست نظریه دیالوژیزم میخائیل باختین، فیلسوف و زبان‌شناس روسی نشان دهد که چگونه قصه‌گویی‌های دوزبانه از یک سو با مورد خطاب قرار دادن زبانی دیگر با هم گفتگو می‌کنند و از سوی دیگر چگونه تعامل صدای متن، صدای قصه‌گو و صدای مخاطب، می‌تواند در ایجاد صلح، کمکی شایان توجهی داشته باشد و رهاوردهایی ژرف برای قلمروی تعلیم و تربیت صلح‌محور و همچنین تعلیم و تربیت چندفرهنگی‌گرایی به ارمغان آورد.

کلیدواژه‌ها: قصه‌گویی دوزبانه، تعلیم و تربیت صلح‌محور، باختین، دیالوژیزم. دی ۱۳۹۹

www.anjomanfarsi.ir

۱. مقدمه

جنگ‌افروزی‌ها و برهم‌خوردن صلح در بیرون و درون انسان‌ها به عنوان یک مشکل همیشگی بشری با او همراه بوده و به‌ویژه در زمانه‌ی معاصر شکل‌هایی متفاوت‌تر و خطرناک‌تری نیز به خود گرفته است. فردریک مایر که باور دارد جنگ بیش از هر نیروی دیگری توسعه‌ی تمدن را تهدید می‌کند؛ در تشریح اوضاع خشونت‌بار عصر جدید، یکی از ویژگی‌های برجسته‌ی صد سال اخیر را ظهور «انسان - توده» می‌داند. چه در آلمان نازی، چه در روسیه‌ی شوروی و حتی در قسمت‌هایی از تمدن ما نیز یک انسان - توده بدون این‌که خود بداند، از تمدن بیزار است و هرج و مرج روحی را بر قوانین تمدن ترجیح می‌دهد. این انسان - توده اگرچه از مبانی تمدن بهره برده است، اما در تعصب مستغرق است و زندگانی نسنجیده‌ای را می‌گذراند. از نظر مایلر سه روش عمده جهت حل مشکلات جهانی به ویژه خشونت وجود دارد؛ انقلاب، جنگ و تربیت که در این میان، تربیت را مهم‌ترین عامل می‌داند زیرا به آرامی و به صورت سیری تکاملی مؤثر می‌افتد. (ر.ک. فردریک، ۱۳۵۰) بنابراین تعلیم و تربیت می‌تواند در ایجاد صلح‌پروری نقشی بنیادین داشته باشد و به باور یونسکو بدانسان که جنگ در ذهن انسان ساخته می‌شود، دفاع از صلح نیز باید در ذهن انسان ساخته شود. (یزدانی، ۱۳۹۴: ۱۳۹) شکی نیست که برای ساختن چنین صلحی باید از آغازین سال‌های کودکی شروع کرد و به صورت مداوم آن را ادامه داد و بر تعلیم و تربیت صلح‌محور تمرکز کرد. یکی از شیوه‌های چنین تربیتی استفاده از

ابزارهای غیرمستقیم و در عین حال جذاب نظیر قصه‌گویی است و این مقاله تلاش می‌کند تا قابلیت‌های قصه‌گویی دوزبانه در تبادله فرهنگی و ایجاد تعلیم و تربیت صلح‌محور را نشان دهد. اما ضرورت دارد قبل از پرداختن به بحث اصلی برخی از مبانی این پژوهش تعریف گردد.

۲- مبانی پژوهش

۱-۲ تبادل فرهنگی

در طول تاریخ ملت‌ها پیوسته در مسائلی چون علم و دانش، معارف دینی، اخلاق، زبان و آداب و سنن زندگی به دنبال تبادل فرهنگی پرداخته‌اند و این مسئله همواره مهم‌تر از مبادلات اقتصادی و دادوستد کالا میان ملت‌ها بوده است. در تبادل فرهنگی هدف بارور کردن و تکامل فرهنگ‌های ملی کشورهاست که در سایه‌ی آن ملت‌ها خصوصیات برجسته و مثبت نظیر: نظم و انضباط، وقت‌شناسی، ادب و احترام، وجدان کاری، روحیه‌ی سخت‌کوشی، شجاعت و... را از یکدیگر فرامی‌گیرند و این مسئله روندی ضروری برای حیات فرهنگی در سرتاسر جهان است. نخستین گام در مسیر تحقق گفتگوی تمدنی و تبادل فرهنگی یک اقدام جهانی علیه نگرش‌های تفرقه‌طلبانه و نژادپرستانه‌ی فرهنگی است. (اسلامی، ۱۳۸۸: ۳۱)

۲-۲ تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت صلح‌محور تعریف‌های زیادی وجودی دارد و همچنین رویکردهایی گوناگونی با آن همراه است که برخی از آن‌ها عبارت است از:

- صلح به عنوان عدم جنگ و جلوگیری از بروز خشونت و تعارض در درون یک جامعه و نیز میان جوامع مختلف
 - صلح به عنوان ایجاد تعادلی پویا میان عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی
 - صلح به معنای فاقد خشونت میان فرهنگ‌های مختلف
 - صلح به معنی تمرکزی همه‌جانبه بر وجوه درونی و بیرونی انسان (ر.ک. بخشی و اویسی، ۱۳۸۲)
- در یک نگاهی کلی می‌توان چنین گفت که هدف تعلیم و تربیت صلح‌محور جلوگیری و کاهش خشونت است. خشونت، مسأله‌زاترین مانع فرهنگ صلح است. خشونت خود را در میان فرهنگ‌ها به شیوه‌های گوناگون نشان می‌دهد و برای بررسی شکل‌های گوناگون آن، قلمروهای گوناگونی همچون تعلیم و تربیت جهانی، تعلیم و تربیت رشد پایدار، تعلیم و تربیت چندفرهنگی گرایبی و... به وجود آمده است. (کستر، ۲۰۰۸: ۵)

۲-۳ قصه‌گویی

قصه‌گویی در لغت به فعالیتی گفته می‌شود که منجر به گفتن قصه گردد ولی در اصطلاح، لحظه‌های ناب و غیرقابل تکراری است که قصه‌گو با بهره‌گیری از قابلیت‌های وجودی، زبان اندام (body language) و ابزار توانمندی چون لحن و کلام، در ذهن شنونده خلق می‌کند تا مخاطب بتواند حوادث و شخصیت‌های قصه را با تمام وجود درک کند و در این تجربه‌ی مشترک و آفرینش هنرمندانه، همراهی‌اش می‌کند. (خانجانی، ۱۳۹۰: ۱۳)

۲-۴ باختین

میخائیل میخائیلویچ باختین (Mikhail Mikhailovich Bakhtin) یکی از بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان قرن بیستم محسوب می‌شود. وی در سال‌های دهه شصت توسط اروپای غربی و آمریکا و سپس سایر نقاط دنیا شناخته شد و تأثیر عمیقی بر مطالعات ادبی دهه‌های اخیر داشته است. در ایران نیز اگرچه باختین چهره‌ی کاملاً ناشناخته‌ای به ویژه نزد پژوهشگران نیست. با این حال، هنوز این متفکر بزرگ روسی به خوبی در ایران شناخته نشده است. نظریات این متفکر بزرگ قرن بیستم دارای اصالت و عمق کم‌نظیری در برخی از حوزه‌های علوم انسانی به ویژه در نقد ادبی و هنری است؛ چنان‌که نشناختن آن‌ها موجب شکاف در حافظه‌ی فرهنگی هر جامعه‌ای خواهد بود. این پژوهشگر در بسیاری از جریانات فرهنگی و هنری تأثیرگذار بوده است. (نامورمطلق، ۱۳۸۷: ۳۹۸-۳۹۹) اما بنابر ضرورت ما تنها به مطالبی بسنده

نمودیم که به طور مستقیم با موضوع این مقاله مرتبط باشد. از این رو نظریه‌ی گفتگومندی و چندصدایی (دیالوجیزم باختین) مهم‌ترین و اساسی‌ترین موضوع این نوشتار می‌باشد.

۲-۵ دیالوجیزم

از مهم‌ترین نظریه‌های باختین با توجه به موضوع مورد بحث در این جا، همان گفتگومندی یا دیالوجیزم (Dialogism) و چندصدایی است. میان گفتگومندی و چندصدایی رابطه‌ای تنگاتنگ وجود دارد. چنان‌که چندصدایی ویژگی گفتگومندی است. چندصدایی به معنای توزیع مساوی صداها در یک متن است. چنان‌که تمام صداها حق حضور داشته باشند، دیالوجیزم و چندصدایی چنان با آراء و افکار باختین عجین شده است که بسیاری از محققان باختین را با این نظریه‌ها و این نظریه‌ها را با باختین می‌شناسند. (همان: ۳۹۹)

با توجه به آنچه بیان شد، این مقاله می‌کوشد با استفاده از نظریه‌ی دیالوجیزم باختین، نقش قصه‌گویی دوزبانه را در تبادل فرهنگی و در نتیجه ایجاد صلح بررسی کند. بدین معنا که نظریه‌ی دیالوجیزم باختین از چه ویژگی‌هایی برخوردار است که می‌تواند ما را به هدف اشاره شده رهنمون کند.

۳- روش تحقیق

روش تحقیق این پژوهش به روش کتاب‌خانه‌ای و کیفی، از نوع تاملی و فکری است؛ به این معنی که پژوهشگر بر توانایی و قوه تشخیص خود، برای به تصویر کشیدن یا ارزیابی پدیده‌های مورد پژوهش تکیه کرده است.

۴- پیشینه تحقیق

در رابطه با تعلیم و تربیت صلح‌محور با تکیه بر مولفه‌های مختلف و نظریات متفاوت تاکنون پژوهش‌های ارزشمندی صورت گرفته است. نظیر: مقاله‌های «مساوقت تعلیم و تربیت صلح‌محور با تعلیم و تربیت هنرمحور» (مهرمحمدی، محمود، ۱۳۹۸)، «تبیین برنامه‌ی درسی صلح‌محور در فلسفه کانت» (قادری، مصطفی و همکاران، ۱۳۸۷)، «بررسی تربیت دینی صلح‌محور مبنی بر کثرت‌گرایی دینی و عرفانی» (میر، محمد و بابک شمشیری، ۱۳۹۶) و «داستان‌سرایی به معنای آموزش صلح: گفتگوی بین فرهنگی در جنوب تایلند» (انجارواتی، ارنا: ۲۰۱۴) اما تاکنون تحقیقی که مستقلاً به بررسی قابلیت‌های قصه‌گویی دوزبانه در تبادل فرهنگی و ایجاد تعلیم و تربیت صلح‌محور پرداخته باشد، وجود ندارد؛ کاری که مقاله‌ی حاضر آن را بر عهده دارد.

www.anjomanfarsi.ir

۵- بحث اصلی

یکی از پایگاه‌های تعلیم و تربیت صلح‌محور، هنر و ادبیات است. قلمروهای مختلف هنر و ادبیات هم‌چون موسیقی، نمایشنامه، شعر، فیلم و ... همواره رسالت خود را در این مورد انجام داده‌اند. برای نمونه می‌توان به آثاری برجسته‌ای هم در حوزه‌ی ادبیات بزرگسال و هم ادبیات کودک چون: جنگ و صلح، ساداکو و هزار درنای کاغذی، کودک، سرباز، دریا و ... اشاره کرد. به جرأت می‌توان گفت که قدرت هنر و ادبیات برای صلح‌پروری در ماهیت عاطفی آن نهفته است بدین معنی که این دو نه تنها از بعد عاطفی، بلکه از بعد شناختی نیز رهاوردهایی ژرف بر جای می‌گذارند و به ما امکان آگاهی‌های فراشناختی می‌دهند. این شناخت و عاطفه‌ای برآمده از تجربه‌ی زیبایی‌شناختی سبب می‌شود ما همواره به دیگری توجه کنیم و به او پاسخ دهیم و به ما کمک می‌کند تا با دیگری احساس همدلی کنیم و میل به تعهد برای پایان دادن به جنگ و انجام کنشی در جهت صلح‌پروری را در ما برمی‌انگیزاند. یکی از تلفیق‌های هنر و ادبیات که به گونه‌ای ویژه می‌تواند در این مقوله‌ی مهم مؤثر افتد، هنر قصه‌گویی است. بر اساس نگاه کستر قصه‌گویی دستگامی برای تغییر و حل چالش‌ها و نزاع‌ها است. افراد درگیر در قصه‌گویی این موقعیت را می‌یابند که تجربه‌های زیسته‌شان را با یکدیگر به اشتراک بگذارند، یکدیگر را تأیید کنند و امکان‌هایی تازه بیافرینند و آن‌ها را درونی کنند. در فرآیند قصه‌گویی همواره میان فرد و جامعه پیوندهایی برقرار است. در این پیوند کستر اظهار می‌کند اگر همه‌ی

جوامع عناصری از رفتارهای صلح‌آمیز را داشته باشند، تمرین قصه‌گویی صلح می‌تواند به عنوان تکنیکی برای استخراج داستان‌های صلح و همچنین دیدن آینده‌ای صلح‌آمیز باشد. این موضوع کمک می‌کند تا پرسش‌هایی را مطرح کنیم و درباره‌ی راه‌حل‌ها گفتگو کنیم و از راه قصه‌گویی به آشتی برسیم. تحقیقاتی صورت گرفته که تأثیرگذاری قصه‌گویی را بر ایجاد صلح‌پروری در عمل نشان داده است. (ر.ک. کستر، ۲۰۰۸) برای نمونه آنجاواتی (Anjarwati) در تحقیقش بر استفاده از قصه‌گویی به عنوان وسیله‌ای برای یادگیری صلح تمرکز کرده است. هدف تحقیق او دیالوگ بینا فرهنگی میان جوانان تایلندی - بودایی و مالایی - مسلمان در جریان درگیری‌های نژادی و مذهبی در جنوب شرقی تایلند بوده است. این تحقیق نشان می‌دهد قصه‌گویی صلح به تبدیل شدن فرهنگ خشونت به فرهنگ صلح کمک کرده است.

در این بین، باختین معتقد است که جهان همواره دعوت‌گر انسان است؛ به این معنی که هر موقعیتی و هر عینی انسان را به عمل و تعامل و به گفتگو با خود فرا می‌خواند و ما تا آنجایی زنده‌ایم که به این فراخوان جهان پاسخ بدهیم. (روملو، ۲۰۱۱: ۹۳) از نظر باختین انسان همواره در حال درک موقعیت و پاسخ دادن به آن از طریق عمل است؛ عملی که باعث می‌شود تا او همواره بر اثر قرار گرفتن در موقعیت‌های تازه از خود اعمال تازه‌ای را بروز دهد و در هر موقعیت مشارکت فعال داشته باشد. با این دید، در میان چیزهایی که به عنوان سازنده موقعیت انسان هستند، یک چیز جایگاه ویژه‌ای دارد و آن "انسان دیگر" است که نزد باختین، شناخت و ادراک ما از جهان محدود به این موقعیت است. لذا برای گسترش شناخت خود و نزدیک‌تر شدن به ادراک غنی باید با دیگری وارد گفتگو شد و نگاه او را به نگاه خود اضافه کرد؛ چرا که حقیقتاً هیچ چیز در انسان خالی از حضور دیگری نیست و ما از بدو تولد وارد دنیایی شده‌ایم که سرشار از سنت‌ها، قوانین، رفتارها و علومی است که ساخته دیگران است. حتی کارآمدترین ابزار ادراک و شناخت و ارتباط انسان، یعنی زبان نیز محصول دیگری است و این حضور دیگران، در سخن ما به دو صورت نمود دارد؛ از یک طرف واژه‌ها و ساختار زبانی و از طرف دیگر دلالت‌های معنایی و اصطلاحات فرهنگی. از سویی دیگر خاصیت سخن انسان این است که همواره مخاطب‌محور است. به عبارتی هر سخن همیشه دارای مخاطب است و هیچ سخنی صرفاً گفتار نیست و در واقع نوعی پاسخ است در جهت پیش‌گویی انتظارات مخاطب. لذا با بررسی نظرات میخائیل باختین درباره حضور دیگری در یک متن و با در نظر گرفتن دو مفهوم کلیدی وی در این نظرات - تک-گویی گرای و گفتگوگرایی - خواهیم دید که در هر متنی کشمکش میان این دو مفهوم وجود دارد. به عبارتی دیگر شاهد تنش میان صدای خود و صدای دیگری هستیم. (ر.ک. نامورمطلق، ۱۳۹۳: ۱۵-۹) از جمله مصداق‌های بارز این چندصدایی در تلفیق هنر و ادبیات، قصه‌گویی است. قصه‌گویی یکی از گفتگوئی‌ترین نمونه‌های چند صدایی (صدای متن، صدای قصه‌گو، صدای مخاطب و...) براساس نظریه دیالوگیزم باختین است و در این میان قصه‌گویی‌های دوزبانه که در بطن خود صدای زبان و صدای فرهنگ را هم بدنبال دارند با استفاده از ظرفیت‌های خود می‌تواند از این چندصدایی در راستای تبادل فرهنگی و به تبع آن تعلیم و تربیت صلح‌محور که نیاز جامعه انسانی امروز است، نقش موثری داشته باشند.

براساس تعاریف ارائه شده، فرهنگ کلیت پیوسته‌ای از ارزش‌ها و اعتقادات آداب و سنن، احساسات و گرایش‌ها، افکار، اندیشه‌ها، بینش‌ها و عناصر سازنده و شکل‌دهنده شخصیت و اخلاق هر قوم و ملتی است. جامعه‌شناسان فرهنگ را تمدن هر جامعه می‌دانند و فرهنگ‌شناسان در تعریف جامعه، آن را گروهی متشکل می‌دانند که فرهنگ مشترکی دارند. هر فرهنگ به لحاظ وجود ویژگی‌های درونی خود که متأثر از پویایی و خلاقیت آن است، باعث بروز تغییرات فرهنگی در جوامع انسانی می‌شود و پیامدهایی نظیر تبادل، تعامل، تهاجم و ... را به همراه دارد. (ر.ک. اسلامی، ۱۳۸۸: ۱۱-۳۳) رهبر معظم انقلاب حضرت آیت الله خامنه‌ای نیز در دیدار کارکنان رسانه‌های گروهی و روسای مناطق آموزش و پرورش در تاریخ ۷۱/۵/۲۱ در بیان اصطلاح تبادل فرهنگی می‌فرمایند: «در تبادل فرهنگی، هدف بارور کردن و کامل کردن فرهنگ ملی است. در تبادل فرهنگی ملت گیرنده فرهنگ، چیزهای مطبوع و دلنشین و خوب و مورد علاقه را می‌گیرد. فرض کنید ملت ایران وقتی می‌بیند اروپایی‌ها ملتی سخت‌کوش و دارای روح خطرکردن هستند، اگر این

صفات را از آن‌ها یاد بگیرند، خیلی خوب است. یا این‌که ملت ما وقتی می‌رود به اقصی نقاط شرق آسیا و می‌بیند مردمی آنجا هستند دارای وجدان‌کار، مشتاق به کار، وقت‌شناس، دارای نظم و انضباط، دارای محبت بین خود و دارای حسن ادب و احترام، این خصوصیات را از آن‌ها بگیرد، خیلی خوب است.» حال باید دید نقش قصه‌گویی دوزبانه در تبادل فرهنگی و تعلیم و تربیت صلح محور تا کجا و چگونه است.

قصه‌گویی، لذت روایت شفاهی در پیوند گفته‌ها و شنیده‌ها است. جانی به ارتباطات انسانی می‌دهد که با هیچ‌کس زبانی دیگری قابل مقایسه نیست. (مونترو، ۱۳۹۴: ۹) و این جان‌بخشی حاصل همان کشمکشی است که از طریق گفتگو و چندصدایی بودن این هنر به وجود می‌آید. در تعریف دیگری از قصه‌گویی می‌بینیم که قصه‌گویی عبارت است از هنر یا فن نقل داستان‌ها به شعر یا به نثر که شخص آن را در برابر شنونده یا شنوندگان به صورت زنده اجرا و کارگردانی می‌کند و بهترین راه بیان آرزوهای بشر و انتقال ارزش‌های اخلاقی، معنوی و سنت‌ها و آداب و رسوم اقوام مختلف به‌شمار می‌رود. (حجازی، ۱۳۷۵: ۵۸) و همین انتقال ارزش‌ها از طریق صدای زبان و فرهنگ و متن است که بر اساس نظریه‌ی دیالوجیزم باختین باعث تعامل قصه و قصه‌گو با مخاطب و مخاطب با قصه و قصه‌گو خود می‌گردد و در قصه‌گویی‌های دوزبانه مابین قومیت‌ها و ملیت‌های مختلف وحدت و دوستی برقرار می‌نماید. درحقیقت قصه‌گویی قدرت گفتگوی سخن دیگری است. سخنی که قصه‌گو از آن هم‌چون سندی برای تأیید حقانیت خود استفاده می‌کند تا مخاطب را با خود همراه سازد. براساس دیدگاه باختین قصه‌گو در قصه‌گویی در اصل سخن دیگری را بازتاب می‌دهد اما آن را سبک‌پردازی می‌کند. یعنی به شخصیت‌ها هویت تازه‌ای می‌بخشد و آن‌ها را زنده می‌کند تا مخاطب در سرتاسر قصه بتواند همزادپنداری کند؛ آنگاه با صدای درونی و ذهنی خود با قصه‌گو و قصه همراه می‌شود. لذا قصه‌گویی را می‌توان با اطمینان یکی از گفتگویی‌ترین هنرهای انسانی برشمرد. (ر.ک. نامورمطلق، ۱۳۹۳: ۱۵-۹)

این هنر ارزشمند زمانی که ترکیبی از دو زبان را در خود جای می‌دهد، به روی درخشان دیگری نیز دست می‌یابد. در واقع قصه‌گویی‌های دوزبانه برای کودکان و نوجوانان در جهانی که مرزهای جغرافیایی، ملیت‌های متفاوت، طبقات اجتماعی، نژاد، طایفه و وابستگی‌های قومی با ساختن چهارچوب‌های خاص، ویژگی‌های شخصیتی و هویت آنان را در آینده‌ای دور و نزدیک رقم می‌زند، آن‌ها را ناخودآگاه وارد گفتگو با دیگران می‌کند. به این ترتیب که صدای یک فرهنگ و یک زبان دیگر در صدای متن و صدای قصه‌گو و صدای خودشان به عنوان مخاطب طنین می‌افکند. به عقیده باختین در میان این همه صدا مخاطب باید هر واژه‌ای را در صداهای دیگران بشنود و این صداها را به گونه‌ای وارد صدای خود کند که نابود نشوند. (همان: ۱۵-۱۲) وارد شدن این صداهای زبانی که غیر از زبان مادری است و به تبع آن وارد شدن صدای فرهنگی غیر از فرهنگ غالب مخاطب و شنیده شدن آن توسط شنونده، باعث انتقال معانی، مفاهیم، ارزش‌ها، آداب و... زبان دوم می‌شود و از ترکیب این صداها، مخاطب برای هویتی دیگر، ملیتی دیگر، طایفه و قومیتی غیر از خود در هر جای دنیا ارزش و احترام قائل می‌شود و پدیده‌ی ارزشمند تبادل فرهنگی اتفاق می‌افتد و به تبع آن بذریه‌های تعلیم و تربیت صلح‌محور در دل‌های کودکان و نوجوانان کاشته می‌شود و می‌آموزند که نباید فقط به خود، که باید به دیگران هم گوش داد. آن‌گاه فارغ از هر نوع نگاه نژادپرستانه و قوم‌گرایانه به دنیا و انسان‌ها می‌نگرد و ساختار انسان - توده که پیش‌تر به آن پرداخته شد، رخت برمی‌بندد.

از طرفی دیگر می‌بینیم با وجود این‌که هر قصه متعلق به هر نقطه جغرافیایی و ویژگی فرهنگی خود را داراست اما مضمون بسیاری از قصه‌های ملل و فرهنگ‌های مختلف و حتی قصه‌های بومی و منطقه‌ای یک کشور مشترک است. (هیرن، ۱۳۷۲: ۴۱) لذا مخاطبین کودک وقتی از آغازین سال‌های زندگی و مخاطبین نوجوان وقتی در آغاز مراحل رشد نوجوانی و دوران پراهمیت هویت‌یابی، پرورش عزت‌نفس، سخت‌کوشی در برابر احساس حقارت و... دنیا را از طریق صداهای انعکاس یافته در قصه‌گویی‌های دوزبانه، فراملیتی و فراقومیتی می‌بینند، حق برابری انسان‌ها را به رسمیت می‌شناسد و به جای درمقابل هم ایستادن، درکنارهم بودن را جایگزین می‌کنند و آن‌گاه است که تهاجم‌های فرهنگی جای خود را به تعامل‌ها و تبادل‌ها می‌دهد. جک‌سازی و لطیفه‌پردازی‌های قومی و منطقه‌ای و ملیتی رخت برمی‌بندد

و در کشوری مثل ایران که چندفرهنگی و چندقومیتی در مناطق مختلف خودنمایی می‌کند، کودک و نوجوان ما از لر بودن و ترک بودن و کرد بودن نه احساس حقارت می‌کند و نه فخرفروشی و زمانی که قصه‌های دوزبانه در سراسر دنیا پخش شوند، هیچ کودک و نوجوانی خود را نژاد برتر فرض نمی‌کند چرا که او از طریق شنیدن صدای زبان‌ها و فرهنگ‌های دیگر، خود و دیگران را در جهان بشری یکسان می‌بیند و از طریق تبادل فرهنگی در چنین قصه‌هایی، نخ‌های نامرئی عشق و محبت را در وجودشان به هم می‌بافد و آن‌گاه دنیا مدینه فاضله‌ای می‌شود که به قول شیخ اجل سعدی:

چو عضوی ببرد آورد روزگار / دگر عضوها را نماند قرار (سعدی، ۱۳۷۳: ۶۰)

خود باختین نیز در بحث از دیالوگ و فرهنگ چنین بحث می‌کند که هنگام کندوکاو فرهنگ‌های دیگر نباید تنها از جمع‌آوری مجموعه‌ای از حقایق یا حتی بازسازی یک زاویه دید خارجی خشنود باشیم. اینها مقدمات هستند. بلکه باید به‌گونه‌ای دیالوژیک اقدام کنیم. باختین همدلی با فرهنگ دیگر را نیز ناکافی می‌داند؛ بلکه معتقد است باید به «فهمی خلاق» از دیگری رسید. (مورسون و امرسون، ۱۹۹۰: ۷۰) یعنی هر یک از طرف‌های گفت‌وگو با حفظ نظرگاه و هویت ویژه‌ی خویش در جریان گفت‌وگو از دیگری آن چیزی را بیاموزد که خود توانایی آموختنش به خویش را ندارد (ایزدپناه، ۱۳۹۶: ۱۲۱). بدین معنی که ما با گشوده بودن به یادگیری از یکدیگر است که می‌توانیم صلح را هم در برون و هم درون ایجاد کنیم. در این میان، موضوعی که از اهمیتی شایان برخوردار است، تربیت قصه‌گویان بینش‌مندی است که خود نیز آزادی و برابری انسان‌ها در فرهنگ‌های گوناگون را درون خود درونی‌سازی کرده باشد و در فرآیند قصه‌گویی با انتخاب لحن و سبک قصه‌گویی، ناخواسته، نگاه جبری و سلسه‌مراتبی به یک زبان و فرهنگ را القا نکنند. یعنی قصه‌گو باید بتواند در هر دو زبان و فرهنگ سکنی گزیند و همزمان از آن دور شود. یعنی از یکی به دیگری نوسان و میان آن‌ها رفت و برگشت کند؛ و مراقب ایدئولوژی‌های پنهان ناخودآگاه که خود را در زبان بروز می‌دهد و بر کودکان تأثیر می‌گذارد باشند. بنابراین بیش از همه باید بر پرورش قصه‌گویانی تمرکز کنیم که رابطه‌ی همه‌ی زبان‌ها و فرهنگ‌ها را رابطه‌ی سوژه-سوژه و نه سوژه-اُبژه بدانند. و باید آگاه بود که کودکان از ما به عنوان قصه‌گو بسیار الگو می‌گیرند.

۶- پیشنهاد همایش ملی پژوهش‌های زبان و ادبیات فارسی - دی ۱۳۹۹

پیشنهاد این مقاله، اجرای قصه‌گویی دوزبانه‌ی تعاملی است. در این رویکرد، کودکان، تنها شنونده‌ی قصه نیستند. بلکه به آن‌ها به عنوان سوژه‌ای سخنگو که از توانایی تفکر و بیان سخن برخوردارند نگاه می‌شود که می‌توانند صدای یگانه‌ی خود را ابراز کنند و با صدای قصه‌گو و صداهای فرهنگ‌ها وارد دیالوگ شوند و هر واژه‌ای درون دیالوگ به زایش ایده‌ای تازه منجر شود. این زایش‌ها که از جنس هنر هستند، صلح درون را به ارمغان می‌آورند. پیشنهاد دیگر مقاله برای ایجاد صلح‌پروری تشکیل حلقه‌ی قصه‌گویی، متشکل از کودکانی با فرهنگ‌های مختلف است. در کشور ما کودکانی از کشورهای دیگر، همچون کودکان افغانستانی نیز حضور دارند. حضور این کودکان در کنار کودکان ایرانی و استفاده از قصه‌های آن‌ها در این حلقه‌های قصه‌گویی روح صلح‌مداری و دوست داشتن دیگری را در کودکان شکل می‌دهد. امید است که جرقه‌ی ایجاد حلقه‌های قصه‌گویی‌های دوزبانه (و حتی چندزبانه) با حضور کودکان فرهنگ‌های مختلف در مدارس ما حالت رسمی به خود گیرد.

۷- نتیجه‌گیری

در این مقاله کوشیدیم با کاربست نظریه‌ی دیالوژیم باختین، قابلیت‌های قصه‌گویی دوزبانه در تبادل فرهنگی و در نتیجه تعلیم و تربیت صلح‌محور را بررسی کنیم. نظریه‌ی دیالوژیم باختین تحولی ژرف در همه‌ی عرصه‌های معرفت، به ویژه ادبیات، اخلاق و تعلیم و تربیت به وجود آورد. با روی کار آمدن نظریه‌ی باختین، اهمیت دیدن دیگری و جدا نبودن او از ما اهمیتی روزافزون یافت. به بیان دیگر، در نگاه باختین، دیگری نیز صدایی هم‌وزن و هم‌تراز با ما دارد و

هر دوی ما در مقام دو آگاهی، در برهم‌کنش با یکدیگر هستیم که معنا می‌یابیم. دستیابی به صلح اعم از صلح درون و برون، مشروط به دیدن زاویه دید دیگری و برهم‌کش زاویه دید خودمان با او است. در این بده‌بستان‌های دیالوژیک است که فهم آشکار می‌شود. بنابراین یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های صلح، دیالوگ و فهم برخاسته از آن است. قصه‌گویی به ویژه قصه‌گویی‌های دوزبانه به دلیل درگیر کردن دو زبان که نماینده‌ی فرهنگ آن نیز هست، زمینه‌ی چنین دیالوگ و فهمی را فراهم می‌کند.

منابع

- ۱- اسلامی، حسین؛ «تهاجم یا تبادل فرهنگی»؛ پژوهشنامه فرهنگی، سال دهم، دوره سوم، شماره هشتم، پاییز ۱۳۸۸، ۳۳-۱۱.
- ۲- ایزدپناه، امین؛ ۱۳۹۶ «گفت‌و‌مندی و چندصدایی در تعلیم و تربیت رسمی ایران»؛ رساله دکتری، دانشگاه شیراز.
- ۳- بخشی، عباس؛ اویسی، حسین؛ جهانی شدن بیم‌ها و امیدها؛ قزوین، نشر حدیث، ۱۳۸۲.
- ۴- بهمن، نامور مطلق؛ «باختین، گفتگو‌مندی و چندصدایی مطالعه پیشابینامتنیت»؛ پژوهشنامه علوم انسانی، شماره ۵۷، بهار ۱۳۸۷، ۳۹۷-۴۱۴.
- ۵- حجازی، بنفشه؛ ادبیات کودک و نوجوان (ویژگی‌ها و جنبه‌ها)؛ تهران، روشنگران و مطالعات زنان، ۱۳۷۷.
- ۶- خانجانی، علی؛ هنر قصه‌گویی؛ تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۹۰.
- ۷- سعدی؛ گلستان؛ مصحح حسین استاد ولی، تهران: قدیانی، ۱۳۷۳.
- ۸- عظیمی، حسین؛ علیا، مسعود؛ «باختین، گفتگو‌مندی و چندصدایی»؛ فصلنامه علمی پژوهشی، سال سوم، شماره ۱۳، ۱۳۸۷.
- ۹- مایر، فردریک؛ تاریخ فلسفه تربیتی؛ ترجمه عباس فیاض، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۵۰.
- ۱۰- مونته‌رو، باتریس؛ رازهای قصه‌گویی؛ ترجمه فرزانه فخریان، تهران: کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، ۱۳۹۴.
- ۱۱- هیرن، بتسی، «قصه‌گویی مکتوب: کتابهای کودکان به عنوان میراث فرهنگی»، ترجمه زهره، قایینی، پژوهشنامه ادبیات کودک و نوجوان، شماره ۱۶، ۳۵-۴۲.
- ۱۲- یزدانی، عنایت‌الله؛ فرهنگ، محبوبه؛ «نقش سازمان‌های فرهنگی در تأمین صلح جهانی، مطالعه موردی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی»؛ نشریه روابط فرهنگی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، شماره ۲، ۱۳۹۴، ۱۵۱-۱۳۳.
- 13- Kester, K. (۲۰۰۸) "Peace Education: Experience and Storytelling as Living Education." Volume 2, Issue 2, pp 1-14
- 14- Erna Anjarwati, (۲۰۱۴) Storytelling As A Means For Peace Education: Intercultural Dialogue in Southern Thailand. The Journal of Living Together. 2014 Pp 45-52.
- 15- Romdenh-Romlue, Komarine. (۲۰۱۱). Routledge Philosophy Guidebook to Merleau-Ponty, London: Routledge.
- 16- Morson, G. S., & Emerson, C. (1990). Mikhail Bakhtin: Creation of a Prosaics. California: Stanford University Press.